

## کوه تفتان

بقلم آقای مهندس محمد علی مخبر

دو رشته کوه بلند یکی بنام «بزمان» ۱ بار ارتفاع ۱۱۴۷۵ پا (۳۴۹۷ متر) در مغرب بلوچستان و دیگر تقریباً در یکصد کیلومتری شرقی آن در خاک بلوچستان سرحدی موسوم به «تفتان» واقع شده که دنباله سلسله‌های داخلی نجد ایران و بعقیده علمای زمین شناسی جزء آتشفشانهای عهد سوم و عهد چهارم معرفه الارضی است.

قله بزمان فعلاً خاموش لیکن تفتان هنوز آتشفشان فعال است و چند روز پیش نیز راجع باتشفشانی آن خبری در جراید انتشار یافت که در ذیل عیناً نقل میشود:

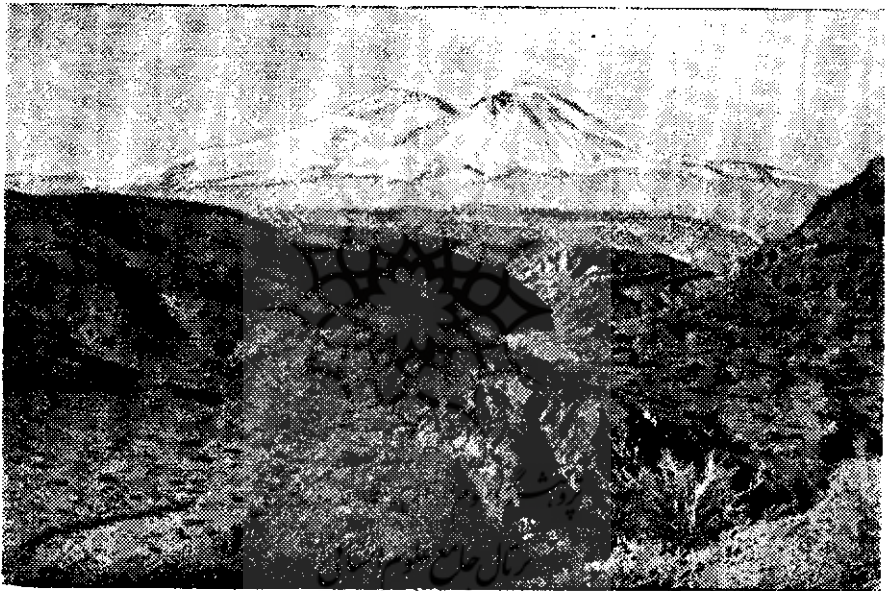
« بطوریکه از اداره نگارش و تبلیغات کشاورزی اطلاع میرسد اخیراً بخارات متصاعد از کوه آتشفشان تفتان مکران بسیار زیاد و از حفره ای که سابقاً دود خارج میگردد اکنون آب بسیار گرم و سوزانی با صدای وحشت آور جاریست و علاوه بر این از حفره دیگری که قبلاً وجود نداشته بخار زیادی متصاعد میشود. فوران آب بقدری شدید است که از فاصله ۲۰۰ متری آن دوفر نمیتوانند صدای یکدیگر را بشنوند.»

کوه تفتان چنانکه در نقشه ضمیمه دیده میشود در شمال غربی خواس ۲ واقع

- ۱ - بزمان بلوکست مشتمل بر چند یارچه آبادی که مرکزش بهین نام است و مطابق تقسیمات کشوری آباناه ۱۳۱۶ بخش بزمان از توابع شهرستان خواس میباشد.
- ۲ - خواس تا این اواخر چندان آبادی و جمعیتی نداشته ولی فعلاً مرکز بلوچستان ایران و جزء استان هشتم یعنی ایالت کرمان و بلوچستان سابق است. صاحب کتاب «حدود العالم من المشرق الی المغرب» دو نقطه را با اسم «خواس» نام می برد، یکی جزء شهرهای خراسان که مینویسد «خواس شهرست و او را آبهای روانست و کاربها و جایی بانمست» ص ۶۳، و این شهر همانست که در تاریخ سیستان (ص ۲۸) از کور یا حوزه‌های سیستان شمرده شده و امروز قریه ایست در خاک افغانستان میان بست و دریاچه هامون ورودی بهین نام از کنار آن میکند. خواس دیگر بگفته حدود العالم شهرکی میان سند و کرمان بوده (ص ۷۶) که احتمال قوی دارد منظور از آن همین خواس فعلی باشد.

گردیده و از قله آتشفشانی آن تا مرکز این شهر بخط مستقیم قریب چهل و دو کیلو متر است. امتداد این کوه از جنوب شرقی بطرف شمال غربی و دارای چهار قله است که بلندتر از همه بارتفاع ۱۳۰۳۴ یا (۳۹۷۲ متر) میباشد.

در اطراف کوه تفتان دره‌های متعددیست که آبهای قسمت شمالی و شرقی آن بصورت رودخانه «لاذز» و «گزو» برود میر جاوه که در امتداد رود تالاب یا تلخ



منظره اقل تفتان

آب است میریزد و آب دره‌های جنوبی کوه مزبور داخل دره‌ی خواش میشود و بسبب ارتفاع زیاد و دره‌های پر آبی که این کوه در آن منطقه کرم و سوزان دارد در ایام تابستان بیلاق طایفه ریگی و سایر طوایف بلوچ ساکن اطراف خواش است.

در بین کوه‌های این قسمت از بلوچستان که به «سرحد» معروفست قله کوه تفتان بخوبی مشخص و ممتاز است بطوریکه از فرسنگها فاصله قله مخروطی و سفید رنگ آن دیده میشود و شاید بهمین مناسبت بوده که یکی از ایستگاههای راه آهن بلوچستان

(ایستگاه بین جوژک و میر جاوه) را با اینکه تقریباً از شصت کیلومتری آن میگذرد بنام «ایستگاه تفتان» خوانده‌اند.

تا آنجا که نگارنده تحقیق و تفحص نموده در کتب جغرافیائی قدیم بنام تفتان که از مصدر تفتن = تافتن مشتق است کوهی بنظر نمیرسد و معلوم نیست از چه زمان باین اسم شهرت پیدا کرده لیکن در بعضی از نوشته‌های سیاحان و جغرافی نویسان اسلامی از آنجمله «معجم البلدان» یاقوت حموی (ج ۱ و ۲ - ص ۴۱۲) در ذیل لغت تمیمندان که حالیه هم قریه‌ای بنام «تمندان» در مغرب کوه تفتان موجود است (رجوع شود بنقشه) اشاره‌ای بوجود این کوه آتشفشان دیده میشود و در مرآت البلدان (ج ۱ - ص ۵۰۰) هم با اینکه بیش از هفتاد سال از تاریخ تألیف آن نمیگذرد عیناً ترجمه عبارت یاقوت بدون هیچ شرح و بسط حتی اشاره‌ای بکوه تفتان باینصورت نقل گردیده «تمین تمندان شهرست در مکران و در نزدیکی آن کوهیست که در آن نوشادر میگیرند، یکی از اهالی آن شهر این تحقیقات را برای من کرد» متأسفانه بواسطه عدم علاقه و بی‌اعتنائی اکثر ایرانیان باوضاع جغرافیائی کشور خویش قبل از آنکه دانشمندان و محققین اروپائی بعنوان سیاحت یا مأموریت سیاسی با تحمل رنج سفر در نقاط مختلفه ایران تحقیقات و مطالعات نموده کتب و رسالاتی در باب اوضاع جغرافیائی و معرفه الارضی وطن ما انتشار دهند از کوه تفتان مانند بسیاری از نقاط دور دست بلوچستان اطلاع صحیحی حتی چنانکه گفتم نامی در سفرنامه‌ها و کتابهای جغرافیائی قدیم فارسی نیست!

در میان سیاحتنامه‌ها و سفرنامه‌های متعددی که در قرن اخیر راجع باوضاع جغرافیائی بلوچستان نوشته شده آنچه تا کنون مورد مطالعه عموم قرار گرفته دو سفرنامه است، یکی از آن دو که خوشبختانه نویسنده‌اش یکتن از ایرانیان بنام میرزا مهدیخان سرتیب مهندس میباشد متعلق بسال ۱۲۷۹ قمری یعنی هشتاد و پنج سال پیش و تاریخ تحریر آن بر دومی که شرحش خواهد آمد مقدم است.

۱. برای معرفت باحوال و خدمات علمی این سیاحان و مأمورین خارج رجوع شود بکتاب «تاریخ اکتشافات جغرافیائی و تاریخ علم جغرافیا» تألیف استاد معظم آقای اقبال مدیر محترم مجله یادگار.

این شخص چنانکه خود مینویسد از طرف دولت مأمور سیاحت بلوچستان گردیده و قسمت عمده بلوچستان غربی از جمله ناحیه سرحد را گردش و شرح مسافرت خود و اوضاع جغرافیائی آن حدود را بصورت کتابچه تقدیم نموده که در روزنامه دولتی نمره ۲۵۸ ضبط شده و عین آنرا مؤلف مرآت البلدان در ذیل لغت بلوص یا بلوچ نقل کرده.



نقشه کوه تفتان و حوالی آن

هر چند میرزا مهدیخان سرتیپ مهندس هم مانند اسلاف خود از تفتان نمی برد اما در ضمن جغرافیای سرحد تحت عنوان «معادن» شرح مفصلی در باب کوه مشهور به «گوگرد» مینویسد که علائم و آثار بخصوص حدودیکه برای این کوه

ذکر نموده با کوه تفتان مطابقت چنانکه گوید: «کوهیست بسیار رفیع، مشحون بتلال و مشهور بکوه گوگرد است که در همان کوه معدن نوشادر هم دارد، این کوه از طرف شرقی منتهی میشود برودخانه سنگوبه و از طرف غربی به نازیل ۱ تخمیناً طول این کوه از سمت مشرق تا مغرب بیست فرسنگ است و دائماً برف دارد، باغات سرحد در حوالی و دامنه‌های این کوه واقعتاً از قبیل اشجار بنه و ارجن و بادام تلخ بسیار داپرد، همه باغات از آب برف کوه مشروب میشود...»

«اما در باب معادن این کوه، در وسط قله این کوه چاه‌یست که بخار از آن متصاعد میشود و در اطراف چاه نوشادر منجمد میشود و نزدیک آن چاه تردد نمیتوان کرد و صدمه میرساند و نوشادر را با اسباب و بیل‌های دسته بلند ضبط و اخذ مینمایند و در حوالی چاه گوگرد از زمین میجو شد و روی زمین می‌بندد و همچنین بقاصه سه چهار فرسنگ دور از این چاه معدن سرب هست که در عهد قدیم در آن معدن کار کرده‌اند...»

دوم سفرنامه‌ایست که سرپرسی سایکس مأمور سیاسی و نظامی انگلیس در طی مسافرت‌های متوالی بولایات شرقی و جنوبی و جنوب غربی ایران بنام «هشت سال در ایران» ۲ نوشته و مشتملست بر تحقیقات تاریخی و جغرافیائی بسیار مفید از نواحی مزبور. از جمله نقاطی را که سایکس شخصاً از نزدیک دیده و با نظر کنجکاو تحت مطالعه و مذاقه قرار داده کوه تفتان بلوچستان میباشد و چون ممکن است اولین اروپائی باشد که بقله این کوه آتشفشان صعود نموده و کوه نوردی خود را با بیانی شیرین شرح داده قسمتهائی از آن که با موضوع بحث ما ارتباط دارد نقل میشود:

۱ - سنگان و نازیل دابلوک است که مرکز آنها به‌ین اسم است ( نقل از کتاب اسامی دهات کشور )

۲ - کتاب هشت سال در ایران سایکس چند سال قبل بوسیله فاضل ارجمند آقای حسین سعادت نوری ترجمه و در دو مجلد چاپ شده .

اگر چه مترجم محترم در ترجمه این کتاب نهایت استادی و زبردستی را بکار برده و حق ترجمه را بخوبی ادا فرموده‌اند لیکن در نقل بعضی از اعلام جغرافیائی ( باستانای اسلامی بلاد کرمان که حواشی و تعلیقاتی هم بر اصل کتاب اضافه کرده‌اند ) چندان دقت و توجهی بکار نرفته و غالباً عین لفظ انگلیسی آنها که البته برای فرنگیان ضبط صحیح این گونه اسامی مشکل است بغاری نقل کرده .

« ... قبل از طلوع آفتاب برای راهنمایان ما نهایت مشکل و ناگوار بود و ما من بوسایل ممکنه ترضیه خاطر آنانرا فراهم نموده راه افتادیم. طولی نکشید بنقطه ای رسیدیم موسوم به «بند گلو»، بعد بدره ای که پر از مواد گوگردی بود، وقتی که بار ارتفاع ده هزار فوت رسیدیم تازه بسربالائی افتاده بودیم. بدو از کنار ~~کوه~~ بالا رفته بچشمه ای رسیدیم موسوم به «آب خوش» که دارای آب گوارائی بود و ما چند دقیقه ای کنار آن رفغ خستگی نمودیم. بعد بروت هوا رو شدت گذارد و ادامه حرکت اشکال پیدا کرد.

« راهنمایان نیز زیادتراز نگارنده احساس سردی مینمودند زیرا آن بیچاره ها تقریباً لخت و عریان بودند. خلاصه مقداری از راه روی قله سنگهای خیلی بزرگ بهر زحمتی بود طی نمودیم ..

هزار فوت بالای کوه مستور از خاکستر سفید رنگیست که از دور برف شباهت دارد و از همین لحاظ اشخاص تصور میکنند که این کوه دایماً مستور از برف میباشد. دو بعد از ظهر پس از هشت ساعت کوه نوردی بقله کوه رسیدیم و معلوم شد که کوه نقتان دو نوک دارد و نوک شمالی آن معروف به «زیارت کوه» اندکی مرتفع تر از دیگر است و نوک جنوبی آن که ما اینهمراه را برای تماشای آن آمده بودیم آتشفشان میباشد. این دومی موسوم است به «مادر کوه» که در جنوب شرقی «صبح کوه» قرار گرفته و در مغرب آن نیز «نر کوه» جای دارد. هیچیک از این کوهها دارای اهمیت خاصی نمیشد جز مادر کوه که آتشفشانی میکند.

«چشم اندازهای این حدود بهترین مناظر زیبای ایرانست و همینطور که بطرف سیستان نگاه میکردیم قله جبال در هر صد میل فاصله در مقابل نمودار بود و بوسیله آلت سنجش ارتفاع که همراه داشتیم معلوم شد که این کوه ۱۲۴۵۲ فوت ارتفاع دارد.

۱- در نقشه های مختلف از جمله نقشه <sup>۱</sup> انگلیسی روی سلسله کوه نقتان چهار نقشه

بترتیب بار ارتفاع ۱۳۰۳۴ و ۱۰۳۵۸ و ۱۰۰۹۵ و ۱۰۰۶۳ یا ثبت گردیده که هیچکدام با ارقام فوق مطابق نیست بهرحال یا در ضبط ارقام ارتفاع اشتباه شده و یا ممکن است ارتفاع سنج سایکس که لابد از نوع ارتفاع سنجهای دستی بوده نسبت بالآت و ادوات امروز کامل و دقیق نبوده.

برودت هوا ما و همراهانرا سخت در فشار گذاشت و هوا بقدری سرد شد که در حقیقت دستهای ما نزدیک بود بیفتد - چون خوردشیدرو بغروب بود لذا سرعت هر چه نماز از این کوه مخروطی شکل سرازیر شدیم . پاسی از غروب گذشته به بند کلو رسیدیم و مختصری استراحت نموده ضمناً با تخم مرغ و شکلات تغییر دانه داده برای افتادیم ، ساعت ۹ بعد از ظهر پس از اینکه عصر میلاد مسیح را ۱۱ بر فراز کوه بلوچستان بتفریح گذرانده بودیم بجادرها رسیدیم .

«این کوه آتشفشان را در محل کوه «چهل تن» مینامند و معروفست که روزی از روزها چهل نفر در این کوه پدید و بعد از نظر غائب شدند . نظیر این داستان در کویته نیز شهرت دارد و نه فقط در آنجا بلکه در این قسمت از قاره آسیا یک چنین افسانه‌ای ورد زبانها میباشد» تا آنجا که ما اطلاع پیدا کردیم سکنه این حول وحوش در اوایل این کوه را با احترام آن چهل تن ستایش نموده برای آن قربانیهای زیاد میکرده اند ، راهنمای ما که نسبت باشخاص هم زی خود شخص با فراستی بنظر می آمد اظهار داشت که ما ظاهراً مسلمانیم ولی از رؤس و اصول مذهب اسلام اطلاعی نداریم در باطن این کوه را ستایش میکنیم ... «

کوه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سایکس در ضمن بیان مطالب تاریخی و جغرافیائی شرحی نیز در باب «کوه گنج» و افسانه‌ای که در میان اهالی محل راجع باین کوه رایج است نوشته که درج آن در اینجا موجب طول کلام و تصدیع خوانندگان گرامی خواهد شد .